

## مقایسه تطبیقی مردم و کارگزاران نظام اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی و نظام‌های سیاسی معاصر

محسن کارگر\*

### چکیده

علامه مصباح یزدی در فصل ششم کتاب حقوق و سیاست در قرآن، طرحی نو در زمینه تعیین حاکم و دیگر مسئولان حکومت پیشنهاد می‌کنند. این طرح مبتنی بر توحید، ولایت و توجه به مردم، عدالت و تقوا است. در این مقاله سعی می‌کنیم با استخراج و شمردن ویژگی‌هایی نظیر حاکمیت الهی، شایسته‌سالاری، رواج روحیه‌ی عدالت، تقوا و معنویت در جامعه، توجه به تأمین رضایت الهی در مسیر گزینش مسئولین برای تأمین ثبات و کارآمدی حکومت و حمایت مردمی (نمابندگی خدا)، افزایش میزان دقت و کارایی، عنصر پاسخگو بودن مسئولان، افزایش تضمین سلامت حاکم و مسئولین، کمک به شکل‌گیری رقابت سالم در جامعه و کمک به افزایش یک‌پارچگی و همدلی عناصر جامعه‌ی اسلامی «در طرح علامه»، برتری آن نسبت به مدل‌های دیگر را که در حال حاضر در سایر کشورها در حال اجرا هستند، اثبات نماییم. روش اجرای این تحقیق روش مقایسه‌ای بوده و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات، مقالات و برخی کتاب‌های ارزشمند در این زمینه است.

**واژگان کلیدی:** نقش مردم، گزینش مسئولین، نظام سیاسی، اسلام، محمدتقی مصباح یزدی،

دوره معاصر.

---

\*. سطح ۳ حوزه، دانش‌پژوه رشته اسلام و مطالعات اجتماعی مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

## مقدمه

در مجله‌ی پویا شماره‌ی ۴۵ به صورت خاص در سه مقاله<sup>۱</sup> به موضوع نقش مردم در نظام اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی پرداخته شده است؛ در مقاله‌ی سوم که متن پیاده شده از سخنرانی آقای ازغدی است، ایشان در انتهای صحبتشان می‌فرمایند که علامه مصباح یزدی طرحی نو برای انتخابات و مشارکت مردم در نظام سیاسی پیشنهاد می‌کنند که ضریب عقل و تخصص در این نوع انتخابات بیشتر می‌شود؛ هم‌چنین مشروعیت و عدالت و ضوابط اسلامی در آن بیشتر است. ایشان انتخاب‌های چندمرحله‌ای را پیشنهاد می‌کنند. این شیوه از شیوه‌هایی که از اروپا و آمریکا کپی کردیم، هم معقول‌تر و هم مردمی‌تر و هم شرعی‌تر است. هم‌چنین ایشان به مخاطبین خود می‌فرمایند که خوب است به‌عنوان استاد و مدرس دانشگاه و حوزه این را توجه کنید؛ اصلاً این را نقد کنید؛ ولی قبل از آن توجه کنید که ایشان چه گفته‌اند. بدین ترتیب به نظر بنده رسیده است که با محوریت طرح علامه در این نوشتار به نقد نگاه معاصر به دموکراسی پردازم و ویژگی‌های طرح پیشنهادی علامه را در مقایسه با آن، بررسی نمایم. اصل این طرح در کتب حقوق و سیاست در قرآن علامه مصباح مطرح شده است. ایشان در فصل پنجم، انواع حکومت را مطرح می‌کنند که عبارتند از: (۱) حکومت زورمداری (دیکتاتوری)؛ (۲) حکومت مستقیم همه مردم؛ (۳) دموکراسی جدید (حکومت نمایندگان اکثریت)؛ (۴) حکومت اسلامی. و سپس در فصل ششم به نوع چهارم حکومت، یعنی حکومت اسلامی می‌پردازند؛ که این نوع، بهترین شکل حکومت تلقی می‌گردد. سپس نحوه حکومت اسلام در عصر غیبت تبیین شده، ضمن آن استاد طرحی نو در زمینه تعیین حاکم و دیگر مسئولان حکومت پیشنهاد می‌کنند که در نتیجه اجرای آن، آحاد مردم تنها در حیطه تخصص و آگاهی و شناخت خود رأی خواهند داد. در خاتمه بیان این طرح، پانزده وجه امتیاز برای آن شمرده می‌شود.

۱. هنرجو، نقش مردم در حکومت از منظر علامه مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۵؛ حسن زاده، جایگاه مردم در جامعه اسلامی از منظر آیت الله مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۵؛ رحیم پور ازغدی، آیت الله مصباح و مفهوم دموکراسی در جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۵.

ما در این مقاله، در ابتدا طرح علامه مصباح یزدی را مطرح می‌کنیم. پس از آن برای آشنایی بیشتر با نظام‌های سیاسی معاصر، مدل‌های مختلف دموکراسی که توسط دانشمندان غربی مطرح شده است را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم. سپس برای دقت بیشتر در مورد نقش مردم در گزینش مسئولین در این نوع نظام‌ها، وارد مبحث نظام‌های انتخاباتی می‌شویم و پس از تعریف و بیان ضرورت آن‌ها، معیارهای یک نظام انتخاباتی مطلوب را بیان می‌کنیم. پس از ارائه‌ی یک جمع‌بندی از این معیارها، وارد مقایسه‌ی نقش مردم در گزینش مسئولین از دیدگاه علامه مصباح یزدی (نگاه اسلامی) با نظام‌های سیاسی معاصر می‌شویم.

## الف - کلیات و مفاهیم

### ۱- خلاصه‌ای از طرح علامه

این طرح به صورت خلاصه دارای ۷ یا ۸ مرحله<sup>۱</sup> می‌باشد. در مرحله‌ی اول از مردم هر ده و شهر و منطقه‌ای خواسته می‌شود که افراد عادللی که در میان خود می‌شناسند را معرفی کنند؛ در مرحله‌ی بعد از این گروهی که با توجه به شیاع مردم عدالتشان ثابت شده است، خواسته می‌شود که سایر عدول شهر که گمنام هستند را معرفی کنند تا مجمعی از همه‌ی عدول شهر تشکیل شود. در مرحله سوم افراد عادل شهر، برحسب دانش و آگاهی و تخصص و کارآیی خود، دسته‌بندی می‌شوند؛ یعنی عدول هر صنفی و هر قشری معین و معلوم می‌شوند. در مرحله‌ی ۴، اعضای هر انجمن بر حسب میزان تخصص خود طبقه‌بندی می‌شوند. در این بین، اعضای که از این حدود فراترند و برای تصدی مقامات و مناصب صلاحیت دارند که مورد نیاز شهر خودشان نیست (مثلاً می‌توانند رئیس آموزش و پرورش باشند)، به مرکز استان فرستاده می‌شوند. در مرحله‌ی ۵، این گروه‌ها در استان جمع می‌شوند. گروه بزرگی که پدیدآمده، باز اعضای خود را برحسب اندازه‌ی دانش و کارآیی رده‌بندی می‌کند. (عده‌ای مثلاً برای تصدی مقامات و مناصب

۱. خود علامه مصباح مراحل آخر را شماره گذاری نکرده‌اند؛ برای دسته‌بندی محتوای طرح، مطلقاً ۷ مرحله می‌توان ذکر نمود؛ اما در طرح جزئیاتی نیز وجود دارد که ممکن است فردی طبق سلیقه‌ی خود آن را ۸ مرحله تلقی نماید.



اداره کل آموزش و پرورش استان برگزیده و تعیین می‌شوند و در مرکز استان خود به خدمت اشتغال می‌ورزند؛ بازم افراد دیگری که دانش و کارآیی بیشتری دارند و می‌توانند عهده‌دار مقامات و مناصبی گردند که در مرکز استان‌شان وجود ندارد، به مرکز کشور فرستاده می‌شوند. در مرحله‌ی ۶ از مجموع گروه‌هایی که از استان‌های گوناگون به مرکز آمده‌اند گروهی بزرگ‌تر تشکیل می‌شود. افراد این گروه نیز درجه‌بندی می‌شوند و تعدادی از آنها مثلاً متصدی مناصب متعدد و متنوع وزارت آموزش و پرورش در مرکز می‌شوند و کسی که بیش از دیگران به کارهای اجرایی اشتغال داشته و از مدیریت و تدبیر بهتری برخوردار است، وزیر آموزش و پرورش می‌شود. در مرحله‌ی ۷، بقیه که دانشمندترین و کارآمدترین مثلاً فرهنگیان عادل و باتقوای مملکت‌اند، به مقام مشاورت رهبر مثلاً در امور فرهنگی کشور، نائل می‌آیند.

۱۲۰

بدین شیوه، هم همه مقامات و مناصب اجرایی کشور، متصدیان صالح و شایسته می‌یابند؛ و هم برای هر یک از امور و شئون مملکتی، شورای قانون‌گذاری ای جداگانه‌ای به وجود می‌آید. هم نیاز جامعه به مسئولان اجرایی شایسته برآورده می‌شود و هم احتیاج جامعه به قانون‌گذاران صالح.<sup>۱</sup>

## ۲- نظام‌های سیاسی معاصر

در رشته علوم سیاسی در این رابطه به صورت مشخص با عنوان الگوها و مدل‌های دموکراسی مواجه هستیم. هم‌چنین در رشته حقوق، مفاهیمی مثل دولت رفاه، دولت حقوقی، دموکراسی قانونی، حکمرانی خوب و... می‌توانند بیان‌کننده نظریاتی در رابطه با نظام‌های سیاسی معاصر باشند. هم‌چنین ما شاهد کتاب‌های مربوط به حقوق اساسی تطبیقی هستیم که نظام‌های سیاسی موجود را از حیث پارلمانی بودن یا ریاستی بودن یا مختلط بودن یا اقتدارگرا بودن بررسی می‌کنند.<sup>۳</sup> دکتر هریمی‌نژاد در مقدمه‌ی کتاب حقوق اساسی تطبیقی خود، طبقه‌بندی‌های مختلفی

۱. مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن صص ۲۴۶-۵۰.

۲. این مطالب از کتاب تلخیص شده است.

۳. رک: هریمی‌نژاد، حقوق اساسی تطبیقی، ۱۳۹۰.

را در مورد نظام‌های سیاسی موجود مورد اشاره قرار می‌دهند و در نهایت طبقه‌بندی چهارگانه‌ای که ذکر شد را به‌خاطر جامع‌تر بودن در قیاس با سایر طبقه‌بندی‌ها از سویی و در برگرفتن اغلب مباحث و موضوعات حقوق اساسی تطبیقی از سوی دیگر، مبنای مطالعه‌ی کتب خود قرار می‌دهند. از سوی دیگر، با توجه به موضوع مورد بحث در این مقاله که «نقش مردم» را در نظام‌های سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد، می‌توان به کتب‌های مربوط به نظام‌های انتخاباتی نیز مراجعه نمود. مثلاً در یکی از این دست کتب‌ها<sup>۱</sup> نظام‌های انتخاباتی، تحت عناوینی از جمله نظام‌های انتخاباتی اکثریت نسبی و مطلق، نظام‌های تناسبی، نظام‌های نیمه تناسبی و نظام‌های انتخاباتی مخصوص انتخاب مناصب تک متصدی (نظام اکثریت نسبی، نظام رقابت دو دوری و نظام دور حذفی آنی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در بسیاری از موارد ملاحظه شده است که جریان اندیشه‌ی سیاسی غرب با بهره‌مندی از کثرت امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، در نظر دارد دموکراسی را به‌عنوان تنها روش حکومتی مطلوب، بر انسان معاصر امروزی تحمیل کند.<sup>۲</sup>

در این نوشتار با توجه به این‌که هدف اصلی مطرح کردن طرح پیشنهادی علامه مصباح یزدی است، بر آن هستیم که با توجه به مجال این نوشتار و مطالعات و مراجعات خود، از حداکثر ممکن این تقسیم‌بندی‌ها استفاده کنیم. بدین ترتیب در این فراز از مقاله، توضیحی اجمالی از عناوینی - مربوط به تقسیم‌بندی‌های نظام‌های سیاسی - که بیشتر در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرند، ارائه می‌کنیم.

۱. مرادمان کتاب نظام‌های انتخاباتی داگلاس جی ایچی می‌باشد.

۲. مرادیان و دیگران فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، پاییز ۹۹، ص ۲۰۰.



## ۱-۲. برخی از مدل‌های دموکراسی

دیوید هلد در کتاب مدل‌های دموکراسی خود، ۱۱ مدل از دموکراسی را بیان نموده است؛<sup>۱</sup> چند مدل از این الگوها، نظر نگارنده را به خود جلب نمود؛ از جمله: دموکراسی تکاملی،<sup>۲</sup> دموکراسی نخبه‌گرای رقابتی،<sup>۳</sup> دموکراسی خودمختار،<sup>۴</sup> دموکراسی نیمه مستقیم.<sup>۵،۶</sup> هم‌چنین در زمینه‌ی مفهوم دولت حقوقی، یکی از نظریه‌پردازان لیبرال، هایک است.<sup>۸</sup> به‌طور کلی نظریه‌های دولت حقوقی، بر لزوم ایجاد چارچوب حقوقی برای دولت تأکید می‌کنند. در تعریف دولت حقوقی، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دولت مقید یا محصور به حقوق یا قالب حقوقی مردم سالار است.<sup>۹</sup>

۱۲۲

برخی گفته‌اند که بهترین مدل دموکراسی موجود در غرب، دموکراسی مشارکتی است.<sup>۱۰</sup> دموکراسی مشارکتی: در این مدل که به‌دنبال حق مساوی برای تکامل شهروندان و تأمین منافع آنان هستیم، شاهد مشارکت مستقیم شهروندان در نهادهای اصلی جامعه چون محل کار و محله و فعالیت احزاب مشارکتی در قالب ساختارهای پارلمان گونه یا کنگره‌ای هستیم.<sup>۱۱</sup>

۱. تقوی، نشریه علوم سیاسی، تابستان ۸۲.

۲. همان، ص ۲۵۶.

۳. همان، ص ۲۵۷.

۴. همان، صص ۲۵۷، ۲۵۸.

۵. رجبلو؛ خوشنام، نشریه جلمه‌شناسی تاریخی، بهار و تابستان ۹۵، صص ۱۴۱، ۱۴۰.

۶. هلنا کت در کتاب دموکراسی در عمل، به سه نوع دموکراسی اشاره کرده است؛ (۱) مدل دموکراسی مشارکتی، (۲) مدل دموکراسی مستقیم، (۳) مدل دموکراسی نمایندگی. تقوی، نشریه علوم سیاسی، تابستان ۸۲، صص ۲۶۵، ۲۶۶.

۷. (بورگن هارماس نیز در کتاب نظریه کشتی ارتباطی، دموکراسی را به دو قسم مدل‌های هنجاری و مدل‌های تجربه‌گرایانه تقسیم کرده است. او سرانجام مدل دموکراسی مشورت‌گر را برای برقراری مصالحه میان اخلاق گفتمان و واقعیت سیاسی پیشنهاد نموده است). تقوی، نشریه علوم سیاسی، تابستان ۸۲، صص ۳۳۶ همراه با اندکی تصرف و تلخیص.

۸. رجبلو و خوشنام، جهانی شدن و سرنوشت مدل‌های دموکراسی، صص ۱۴۳، ۱۴۲.

۹. در مورد عناصر سازندگی دولت حقوقی و نیز تفصیل برخی نظرات هایک در مورد دولت حقوقی به این مقاله مراجعه کنید: افشاری، نشریه لدیشه‌های حقوق عمومی، بهار و تابستان ۹۹.

۱۰. مرادیان و جعفری نژاد، نظریه مرد مسالاری دینی لدیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله)، ص ۱۹۹.

۱۱. تقوی، پیشین، ص ۱۴۳؛ رجبلو و خوشنام، پیشین، ص ۱۴۳.

پیتمن می‌گوید دموکراسی مشارکتی تکامل انسان را تسریع می‌کند، احساس سودمندی سیاسی را ارتقاء و احساس بیگانگی از مراکز قدرت را کاهش می‌دهد، توجه به مسائل دسته‌جمعی را تقویت می‌کند و به شکل‌گیری شهروندانی فعال و آگاه با دلبستگی جدی‌تر به امور حکومتی کمک می‌کند.<sup>۱</sup> سرانجام آن دینوا برای تحقق این دموکراسی ۱۰ اصل را بیان می‌کند که بسیار قابل توجه می‌باشند.<sup>۲</sup>

اصطلاح «دموکراسی مشارکتی» در معنایی خاص خود، مدل خاصی از دموکراسی است که به دنبال چارچوبی نظری و نیز ترتیبات نهادی برای مشارکت بیشتر و فعال‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های جمعی است. بنا بر عواملی، از دهه ۶۰ میلادی نظریه دموکراسی مشارکتی ظهور پیدا کرد. اندیشه‌ی مشارکت و آزادی، از ویژگی‌های اصلی این نظریه در بین لیبرال‌ها و نیز مارکسیست‌ها می‌باشد.<sup>۳</sup>

### ۳- نظام‌های انتخاباتی

برای بررسی علمی این عنوان، به کتب نظام‌های انتخاباتی اثر داگلاس جی. ای. می. مراجعه نمودم.

#### ۳-۱. تعریف نظام انتخاباتی

نظام انتخاباتی مجموعه‌ای از فرایندها است که از طریق آن، مشخص می‌شود چه کسی برای تصدی یک مقام انتخاب می‌شود. این فرایندها شامل ساختار برگ رأی، نحوه‌ی اخذ رأی و شمارش آن هم‌چنین نحوه‌ی تعیین افراد برنده است. به عبارت دیگر، نظام‌های انتخاباتی ابزارهایی هستند که آرا را به کرسی‌های مجالس تبدیل می‌کنند.<sup>۴</sup>

۱. رجیلو و خوشنام، پیشین، ص ۱۴۴.

۲. همان.

۳. مرادیان و جعفری نژاد، پیشین، ص ۲۰۳.

۴. جی. ای. می، نظام‌های انتخاباتی، ص ۳۷.

## ۲-۳. ضرورت نظام‌های انتخاباتی

این نظام‌ها هستند که تعیین می‌کنند چه کسی انتخاب می‌شود و اینکه چه کسی انتخاب می‌شود، به‌طور مستقیم بر اینکه چه سیاست‌هایی در پیش گرفته می‌شود و اینکه چه کسی از این سیاست‌ها سود برده یا زیان می‌کند، تأثیر دارد. روش‌های مختلف رأی‌گیری، می‌تواند به انتخاب شدن افراد مختلفی منتهی شود. مثلاً اینکه نظام انتخاباتی، تصدی مقام فرمانداری را در گرو کسب اکثریت مطلق آرا می‌داند یا صرف کسب اکثریت نسبی کفایت می‌کند، پیامدهای مختلفی دارد. به‌عنوان نمونه، فرض کنید که نامزد الف ۴۲ درصد، نامزد ب ۴۰ درصد و نامزد ج ۱۸ درصد آراء را به خود اختصاص می‌دهند. به موجب قواعد اکثریت نسبی، نامزد الف به‌عنوان فرماندار منتخب معرفی خواهد شد؛ چرا که بیشترین آراء را به دست آورده است. اما اگر قواعد رأی‌گیری نیازمند کسب اکثریت مطلق باشد، دو نامزدی که بیشترین آراء را کسب کرده‌اند، به دور دوم راه می‌یابند تا در نهایت نامزدی که بیش از ۵۰ درصد آراء را از آن خود می‌کند، به‌عنوان منتخب معرفی شود. در این مثال، در صورتی که بیشتر طرفداران نامزد ج در دور دوم از نامزد ب حمایت کنند، این نامزد ب است که برنده خواهد شد نه نامزد الف.<sup>۱</sup>

کارشناسان این نکته را ابراز داشته‌اند که نظام‌های انتخاباتی می‌تواند بر انواع وسیعی از مسائل سیاسی مهم از جمله سطح مشارکت و نوع رقابت‌های انتخاباتی، رابطه‌ی میان حوزه‌های انتخابیه با نمایندگان آن، امکان نمایندگی زنان و نیز ثبات دولت، تأثیر قابل توجهی داشته باشد.<sup>۲</sup>

در طول تاریخ دموکراسی، نظام‌های انتخاباتی پیوسته در حال تکامل و تحول بوده‌اند. نظام‌های جدیدی ایجاد شده و نظام‌های قدیمی کنار گذاشته شده‌اند. از سوی دیگر، ما به لحاظ اخلاقی و سیاسی متعهد هستیم نظام انتخاباتی خود را با یک دید انتقادی ارزیابی کنیم و ببینیم آیا می‌توان آن را بهبود بخشید یا نه.<sup>۳</sup>

۱. همان، صص ۲۸، ۲۹.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۳۷.

### ۳-۳. معیارهای یک نظام انتخاباتی خوب

نوعی اجماع درباره‌ی معیارهای یک نظام انتخاباتی خوب وجود دارد. برای مثال، تقریباً همه می‌پذیرند که یک نظام خوب باید حاکمیت اکثریت، نمایندگی منصفانه، مشارکت بیشتر و دولت با ثبات را گسترش دهد. بخش زیادی از عدم توافق سیاسی در مورد روش‌های رأی‌گیری، معمولاً در این باره است که کدام یک از این معیارها دارای بیشترین اهمیت است و اینکه کدام یک از نظام‌ها این معیارها را بهتر تأمین می‌کنند. برای مثال، طرفداران نظام اکثریت نسبی مبتنی بر مناطق تک عضو، تمایل دارند نمایندگی جغرافیایی را اولویت قرار دهند؛ اما طرفداران نظام‌های تناسبی مبتنی بر فهرست حزبی، بیشتر به نمایندگی منصفانه‌تر احزاب سیاسی اولویت قائل هستند.<sup>۱</sup>

این معیارها عبارت‌اند از: حاکمیت اکثریت؛ این اصل یکی از سنگ بناهای حکومت دموکراتیک است؛ این اصل استفاده از قدرت توسط دولت را توجیه می‌کند. نمایندگی اقلیت؛ یک مجلسی که واقعاً نماینده‌ی مردم است، باید انعکاس‌دهنده‌ی دیدگاه‌های اکثریت و اقلیت‌های مهم باشد. نمایندگی جغرافیایی؛ بسیاری از رأی‌دهندگان، خواهان حضور نماینده‌ای هستند که محل آن‌ها را نمایندگی می‌کند؛ تا طرح خواسته‌های محلی در نهادهای حکومتی تضمین شود. مشارکت زیاد رأی‌دهندگان؛ نرخ پایین مشارکت، اغلب نشان‌دهنده‌ی عدم رضایت شدیدی است که در میان رأی‌دهندگان نسبت به فرایند انتخابات وجود دارد. وجود گزینه‌های کافی برای رأی‌دهندگان؛ نوع نظام انتخاباتی هم بر تعداد نامزدها و هم بر تنوع احزاب سیاسی حاضر در انتخابات و در نتیجه میزان مشارکت رأی‌دهندگان در فرایند انتخابات، تأثیر بسیار زیادی دارد. مقاومت در برابر تقلب و دست‌کاری سیاسی؛ یک نظام انتخاباتی خوب باید بتواند مانع از انجام تقلب و دست‌کاری سیاسی و در نتیجه افزایش اعتماد رأی‌دهندگان نسبت به نتایج انتخاباتی، شود. نمایندگی دقیق و منصفانه‌ی احزاب؛ مجالس قانون‌گذاری‌ای که به شیوه‌ی دموکراتیک انتخاب شده‌اند، باید نحوه‌ی توزیع عقاید سیاسی در جامعه را به دقت انعکاس دهند (نظام‌های

۱. همان، ص ۴۲.



انتخاباتی باید در تبدیل حمایت رأی‌دهندگان از احزاب سیاسی به کرسی‌های مجلس، دقیق عمل کنند. دولت با ثبات و کارآمد؛ دولت‌ها باید به نحوی باشند که سریع و کارآمد در برابر مشکلات روز جامعه، موضع‌گیری و اقدام کنند و مردم در مورد اینکه مثلاً چه حزبی اگر برنده شود دولتش با ثبات و کارآمد خواهد بود، اختلاف نظر دارند؛ و نیز اینکه چه نظام انتخاباتی حاکم است، بر میزان تداوم سیاسی میان دو انتخابات نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ در نهایت، کارآمدی و ثبات حکومت، می‌تواند به میزان حمایت عمومی بستگی داشته باشد. افزایش آرای مؤثر و کاهش آرای بی‌اثر؛ آرای مؤثر آرای هستند که در انتخاب یک نامزد تأثیر دارد؛ اگر نامزد مورد نظر شما انتخاب نشود، رأی شما بی‌اثر بوده است؛ هرچه تعداد آرای مؤثر بیشتر باشد، بدین معناست که مجلس نماینده‌ی تعداد بیشتری از مردم است (ارتباط مستقیم با کیفیت و کمیت نمایندگی در یک نظام سیاسی دارد). رابطه‌ی نزدیک میان نمایندگان و حوزه‌های انتخابی؛ یک نظام انتخاباتی خوب، روابط نزدیکی میان نمایندگان با حوزه‌های انتخابیه‌شان ایجاد می‌کند. آرای صادقانه؛ رأی‌دهندگان باید بتوانند به حزب یا نامزدی رأی دهند که بیشتر مورد علاقه‌ی آنهاست؛ به این اقدام، رأی صادقانه می‌گویند و بدیهی است که چیز مطلوبی است. تقویت نظام دو حزبی یا تقویت نظام چند حزبی؛ از مدت‌ها پیش متخصصان می‌دانند که نظام‌های اکثریت نسبی، نظام دو حزبی را ترویج می‌کنند و نظام‌های تناسبی معمولاً نظام چند حزبی را توسعه می‌دهند؛ یعنی برتری کدام نوع نظام انتخاباتی، وابسته به این است که چه نوع نظام حزبی را بیشتر می‌پسندید. رقابت‌های سیاسی باکیفیت بهتر؛ قواعد مختلف رأی‌گیری، الزامات مختلفی را برای پیروزی ایجاد می‌کنند و همین امر بر راهبردهای رقابت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ مردم به مسائل و برنامه‌های حزبی رأی می‌دهند یا به فرد؟ مقاومت در برابر افراط‌گرایی؛ یک نظام انتخاباتی خوب، باید افراط‌گرایی سیاسی یا احزاب سیاسی افراطی را از جریان انتخابات کنار بگذارد؛ گروه‌های افراطی، گروه‌هایی هستند که از نقض حقوق دموکراتیک حمایت کرده و خشونت و بی‌نظمی را ترویج می‌دهند و یا دارای ایدئولوژی‌های نژادپرستانه هستند. انتخابات رقابتی؛ بدون وجود انتخابات رقابتی، پاسخ‌گو نگه‌داشتن مقامات برای رأی‌دهندگان امر دشواری است؛ فقدان رقابت می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد؛ نخست این که یک یا چند حزب ممکن است از معرفی نامزد خودداری

کنند؛ دوم این‌که یکی از احزاب چنان اکثریتی از طرفداران را در یک منطقه داشته باشد که نامزد آن قطعاً برنده شود. سهولت اجرا و اداره‌ی انتخابات؛ یک نظام انتخاباتی خوب، به شهروندان اجازه می‌دهد به راحتی رأی دهند و نتایج انتخابات را درک کنند؛ نظام‌های انتخاباتی بسیار پیچیده، ممکن است برخی از افراد را نسبت به رأی دادن دلسرد کنند یا باعث شوند که عده‌ای نتوانند از آن برای افزایش منافع سیاسی خود به‌خوبی استفاده کنند. نمایندگی منصفانه از نظر جنسیت؛ مطالعات تطبیقی متعدد نشان می‌دهد که ارتباط وثیقی بین نظام‌های انتخاباتی و درصد حضور زنان در مجالس وجود دارد. مدیریت مؤثر تنش‌ها؛ یک نظام انتخاباتی خوب، نباید اختلاف نظر میان گروه‌های مختلف نژادی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی را تشدید کند؛ بلکه باید بتواند گفتگو، مذاکره و مصالحه را به‌عنوان عناصر اساسی یک جامعه‌ی صلح‌آمیز و دموکراتیک، میان این گروه‌ها ایجاد کند.<sup>۱</sup>

### ب) نقش مردم در نظام‌های سیاسی معاصر

آنچه از مطالب مربوط به نظام‌های انتخاباتی، با نقش مردم مرتبط است را در این قسمت به اجمال مطرح می‌کنیم. مطلب اول حاکمیت اکثریت است؛ یعنی نظر اکثریت رأی‌دهندگان، به حکومت مشروعیت می‌بخشد. نکته‌ی بعد، نادیده نگرفتن نقش اقلیت است؛ یعنی نظام انتخاباتی به چه میزان به اقلیت شهروندان اجازه می‌دهد که بتوانند در حکومت نماینده داشته باشند؟ نکته‌ی بعد میزان توجه نظام انتخاباتی به میزان مشارکت مردم در مسائل سیاسی و به‌طور خاص انتخابات است؛ هرچه این میزان پایین‌تر باشد، به همان میزان اعتبار نظام انتخاباتی نیز کاهش پیدا می‌کند. تأکید بر اینکه نظام انتخاباتی باید به‌گونه‌ای باشد که محصول آن واقعاً نماینده‌ی مردم باشد و واقعاً انعکاس‌دهنده‌ی نحوه‌ی توزیع عقاید در جامعه باشد و واقعاً این نماینده‌ی مردم در خدمت تمام مردم باشد. یک نظام انتخاباتی خوب، باید محصولی داشته باشد که بتواند افکار عمومی و حمایت عمومی را جلب نموده و مردم را برای پذیرش و اطاعت از قوانین آماده نماید و در

۱. همان، صص ۴۳-۵۵.



نهایت منجر به کارآمدی و ثبات حکومت گردد. در یک نظام انتخاباتی مطلوب، تمام رأی دهندگان باید احساس کنند که «نمایندگی» متناسب با میزان آرای تأمین شده است؛ یعنی هر اندازه که احساس برنده بودن از نظر کمیت در بین رأی دهندگان بیشتر باشد، یعنی افراد کم‌تری باشند که احساس کنند رأی آنها بی‌تأثیر بوده است، نظام انتخاباتی مطلوب‌تر است. محصول یک نظام انتخاباتی خوب، کسانی‌اند که نسبت به شهروندان مربوط به حوزه انتخابیه‌ی خود پاسخ‌گو باشند و از مشکلات آن‌ها باخبر باشند.

یک نظام انتخاباتی خوب، باید تا جایی که امکان دارد شرایط را فراهم کند که شهروندان بتوانند صادقانه به فرد مورد علاقه‌ی خود رأی دهند. یک نظام انتخاباتی مطلوب، آن است که بر اساس نوع و مدل دموکراسی انتخاب شده توسط نظام سیاسی و اینکه این مدل تقویت‌کننده‌ی کدام یک از نظام‌های دو حزبی یا چند حزبی است، به تقویت نظام دو حزبی یا چند حزبی بینجامد. یک نظام انتخاباتی مطلوب، کیفیت رقابت‌ها را بالا می‌برد؛ بنابراین به جای حملات شخصی و لجن مال کردن افراد و افزایش بدبینی، بر روی برنامه‌های حزبی تمرکز می‌شود (مردم به‌عنوان عناصر بصیر نقش ایفا می‌کنند نه عناصر متعصب). یک نظام انتخاباتی مطلوب، گروه‌های ناقض حقوق دموکراتیک، مروج خشونت و بی‌نظمی و نژادپرست را از معرض انتخاب مردم کنار می‌گذارد. یک نظام انتخاباتی مطلوب، عنصر رقابت را در انتخابات زنده نگه می‌دارد تا میزان پاسخ‌گویی مقامات در برابر رأی‌دهندگان بالا رود؛ در این صورت، کیفیت نقش مردم به‌عنوان ناظران فعال، بالا می‌رود. فهم یک نظام انتخاباتی مطلوب برای مردم به‌عنوان عنصر مهم یک حکومت دموکراتیک به‌راحتی امکان‌پذیر است؛ هم‌چنین هزینه‌ی اجرای چنین نظام انتخاباتی‌ای هرچه کم‌تر باشد بهتر است. یک نظام انتخاباتی مطلوب مخصوصاً از دید کسانی که نسبت به حضور زنان در مجالس دغدغه‌مند هستند به نمایندگی منصفانه از نظر جنسیت می‌انجامد. سرانجام یک نظام انتخاباتی مطلوب، باید به همه‌ی افراد و گروه‌های جامعه بها داده و از این طریق به حاکمیت آرامش سیاسی در جامعه کمک نماید.

## ج) مقایسه‌ی دیدگاه علامه مصباح یزدی با نظام‌های سیاسی معاصر

### ۱- تحلیل تاریخی

بشر به دنبال آرمان‌های خود، سرانجام به نقطه‌ای رسید که دموکراسی را راهکار رسیدن به سعادت پنداشت. اما دموکراسی با تمام تعاریف و روش‌های خود، تنها ابزاری است برای رشد و پیشرفت بشریت. وقتی در قرون وسطی ظلم فراوانی با نام دین در جهان غرب بر ملت‌ها وارد شد، دانشمندان آن نقاط جغرافیایی مسیری را طی نمودند که سکولاریسم از نتایج آن به حساب می‌آید. فراوان به تاریخ‌تطور افکار در غرب پرداخته شده است و به نظر می‌آید صحبت کردن در این زمینه تکرار مکررات باشد؛ لذا در این مجال مهم‌ترین و مناسب‌ترین کار را پرداختن به ریشه‌ی امر یافتیم. انسان‌ها در جامعه‌ی انسانی، همواره از دو ناحیه ضربه خورده‌اند و مصلحان همواره در تلاش بوده‌اند که دو موضوع را اصلاح کنند. یکی ظلم و دیگری جهل؛ آیه‌ای از قرآن نیز انسان را ظلم و جهول معرفی نموده است. در انواع مختلف دموکراسی نیز روش‌هایی را می‌یابیم که این دو را مورد تأکید قرار داده‌اند. مثلاً در مدل دموکراسی نخبه‌گرای رقابتی، شاهد این هستیم که سعی شده است برای نیفتادن در ورطه‌ی جهل، کار حکومت به افراد کارآمد و کاردان سپرده شود. یا نکته‌ای که در تمام انواع مدل‌های دموکراسی شاهد آن هستیم، توجه به نقش مردم و عمق دادن به بروز و ظهور اراده‌های آن‌ها در حکومت و دولت، برای جلوگیری از ظلم به مردم از سوی حاکمان است. شاید بتوان در یک نگاه کلان، دموکراسی را راهکاری برای جلوگیری از ظلم حاکمان به مردم از طریق مدیریت جهل مردم و نیز قدرت حاکمان تعریف نمود. به تعبیر دیگر، هدف دموکراسی، تحقق عدالت است و تحقق عدالت تنها از این طریق صورت می‌گیرد که اولاً نقش جهل مردم را در تعیین حاکمان کاهش دهیم و حتی المقدور از بین ببریم<sup>۱</sup> و ثانیاً با «به نوعی» توزیع قدرت بین همه‌ی شهروندان، از تمرکز قدرت کاسته و آن را در خدمت همه‌ی مردم قرار دهیم؛ نه اینکه برخی به‌خاطر برخورداری انحصاری از قدرت، از آن

۱. البته در مواردی مثل دموکراسی خودمختار رقابتی، به وضوح شاهد این هستیم که جهل مردم همانند ابزاری برای کسب قدرت تلقی شده است.



برای بهره‌مندی انحصاری خود، استفاده کنند. اگر هدف این باشد - که هست - هر چیزی که در دموکراسی باشد و با این هدف ناسازگار باشد، مردود است.

## ۲- علامه مصباح؛ بررسی مفهوم عدالت و بیان هدف نهایی حقوق

حضرت علامه مصباح یزدی می‌فرمایند که اولاً باید عدالت را تعریف نمود؛ ایشان برای تعریف عدالت<sup>۱</sup>، لزوم بررسی مفهوم حق را مطرح می‌نمایند و می‌فرمایند حق مفهومی اعتباری است که ریشه‌هایی حقیقی دارد و می‌فرمایند جامعه حق دارد همه‌ی مواهبی که در درون یا بیرون آن هست، در مسیر تحقق دادن به هدف حقوقی خود که تأمین مصالح اجتماعی انسان‌ها در دنیاست، استخدام کند<sup>۲</sup>. هم‌چنین می‌فرمایند طبق نظر اسلام، هدف نهایی حقوق، وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف نهایی اخلاق که استکمال نفس انسان و تقرب به درگاه الهی است. ما در مکتب اسلام، در مرحله‌ی اول شاهد این هستیم که بشر از سرگردانی‌ای که در تعیین هدف دارد، نجات پیدا می‌کند. در این مرحله نیازی به دخالت وحی و نقل هم نداریم. در مسیر رسیدن به این معرفت، مبانی معرفت‌شناسی آن عقلی است، مبانی هستی‌شناسی عقلی است، مبانی کلامی مورد نیازش عقلی است، ارزش‌شناختی آن همین‌طور؛ اگر ذره‌ای به این مسئله اهتمام داشته باشیم، با مطالعه‌ی آنچه در این مسیر نیاز است از کتاب مبانی علوم انسانی، با دلایل و شواهد بدیهی و عقلی آن آشنا می‌شویم.

دین اسلام به‌عنوان یک سیستم جامع و کلان، به همه‌ی نظام‌های فردی و اجتماعی جهت می‌دهد؛ مثلاً همه‌ی خرده سیستم‌هایی همچون اقتصاد که هدفش رفاه است و اخلاق که هدفش تصفیه و تکامل روح است و حقوق که هدفش عدالت اجتماعی است را به‌سوی هدف نهایی که قرب به خداوند متعال است، هدایت می‌نماید<sup>۳</sup>.

۱. ایشان می‌فرمایند که عدالت در مفهوم اجتماعی، به معنای «ادلان حق» هر صاحب حق می‌باشد.

۲. مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، صص ۴۴، ۴۵.

۳. جمعی از نویسندگان، مبانی علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۲۰۰.

ایشان ثابت می‌کنند که از منظر اسلام، خاستگاه حق، یک سلسله امور حقیقی است که از سویی با مبدأ و از سوی دیگر با معاد در ارتباط‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳- نحوه‌ی دستیابی به هدف حقوقی

با بیان این پیش‌فرض که دین اسلام پاسخ‌گوی تمام نیازهای اصیل فردی، اجتماعی، دنیایی و اخروی است، وارد مرحله‌ی دوم می‌شویم.<sup>۲</sup> در مرحله‌ی دوم، در نظام حقوقی اسلام، به دنبال نحوه‌ی رسیدن به هدف حقوقی هستیم. در این مرحله، اسلام مهم‌ترین عنصر را تحت عنوان ولی و امام معرفی می‌نماید. امام عنصری است که غیر از نبوت، سایر امتیازات پیامبر اسلام را دارد. براین اساس، او هم مسئولیت هدایت باطنی مؤمنین را دارد و هم حاکم جامعه‌ی اسلامی است. این عنصر، در زمان غیبت امام معصوم، در ولایت فقیه تجلی پیدا می‌کند. ولی فقیه که از جانب خداوند دارای منصب ولایت و اداره‌ی جامعه است، یعنی برترین اسلام‌شناسی که جامع شرایط اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی است.<sup>۳</sup> علامه می‌فرماید:

به حکم عقل، در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام کسانی می‌توانند و باید متصدی امور حکومتی شوند که به‌خصوص در سه جهت از دیگران به مقام عصمت نزدیک‌تر باشند: از جهت احاطه علمی به احکام و قوانین الهی، از جهت شناسایی اوضاع و احوال جامعه اسلامی و جوامع معاصر دیگر و علم به مصالح و مفاسد جزئی امت اسلام و از جهت تقوی، ورع، عدالت و امانت. این مطلب از مستقالات عقلیه است و در آن، جای هیچ‌گونه شک و شبهه نیست، از این‌رو حاکم بر همه ادله خواهد بود.<sup>۴</sup>



۱. مصباح یزدی، پیشین، ص ۴۶.

۲. جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۱۹۸.

۳. همان صص ۱۳۱-۳۵.

۴. مصباح یزدی، پیشین، ص ۲۴۲.

در مرحله‌ی سوم، سازوکار تعیین حاکم و مسئولان دیگر به گونه‌ای که با حکم عقل و اصول و مبانی اسلام کاملاً سازگار باشد، توسط علامه مورد بررسی قرار می‌گیرد که منجر به ارائه‌ی طرحی می‌شود که خلاصه‌ی آن را در ابتدای مقاله ذکر کردیم.

#### ۴- ویژگی‌های طرح علامه در شکل‌دهی نقش مردم

در مورد نقش مردم در گزینش مسئولین، در این طرح نکاتی وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم. اولاً در طرح علامه، هر فردی از افراد جامعه، در حد آگاهی خود و در قلمرو معلومات خود، مجال و حق ابراز رأی و اظهار عقیده دارد؛ عموم مردم فقط برای شناساندن و تعیین عدول، حق ابراز رأی دارند؛ لذا مردم در محدوده‌ای که صاحب اطلاع‌اند مجال اظهار عقیده می‌یابند. عدول نیز، وقتی که افراد دیگری را تعدیل می‌کنند (زمینه‌ی گزینش افراد عادل دیگری را فراهم می‌نمایند)، جز در حوزه علم و اطلاع خود شهادت نمی‌دهند. فهم اینکه هر یک از عدول به چه قشر و صنفی تعلق دارد نیز کار مشکلی نیست. عدول هر قشر و صنفی هم وقتی که میزان دانش و کارایی هر یک از اعضای گروه خود را معین و معلوم می‌دارند و در درون گروه خود قائل به مدارج و مراتب مختلف می‌شوند، درباره آنچه می‌دانند سخن می‌گویند و رأی می‌دهند. خلاصه آنکه جمیع ابراز رأی‌ها و انتخاب‌ها، بر اساس علم و معرفت و از روی روشن‌بینی و بصیرت صورت می‌پذیرد؛ هر شخصی فقط درباره اموری اظهار نظر می‌کند که از آنها آگاهی دارد و هیچ شخصی درباره اموری که از آنها آگاهی ندارد اظهار نظر نمی‌کند و نباید بکند و حال آنکه در سایر نظام‌های سیاسی که انتخابات، عمومی و یک درجه‌ای است قهراً برای تعیین متصدیان مشاغل مهم حکومتی، عموم مردم ابراز رأی می‌کنند، در صورتی که هرگز شایستگی چنین کاری را ندارند. در واقع، مردمی که کمترین آشنایی با علم و فن و حرفه خاصی ندارند می‌خواهند برجسته‌ترین و کارآمدترین فرد آن علم و فن و حرفه را تعیین کنند! در این طرح، انتخابات و انتصابات بر پایه گفته‌های شاه‌دانشان عادل - که رأی ایشان عقلاً و شرعاً، محترم و مطاع است - صورت می‌گیرد؛ و برای آنکه دانسته شود از میان چند تن هم‌تراز کدام یک برای تصدی منصب خاصی اصلح است، به تعداد بینه‌ها و شهادت‌ها می‌نگرند؛ کسی که بینه‌های بیشتری به شایستگی و لیاقتش شهادت دهند طبعاً رجحان خواهد یافت و برای تصدی آن منصب متعین خواهد شد.

این شیوه هم معقول است و هم موافق با موازین شرعی. همه می‌دانیم که در بلب تعارض بینات، بینه‌هایی که تعدادشان بیشتر باشد اقوی هستند و قولشان مرجح خواهد بود. این نوعی گزینش طبیعی است که انجام می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

بر اساس این مبنای دموکراسی که انسان بر خود حاکم است و در هنگام رأی دادن حق حاکمیت و تعیین سرنوشت خود را به دیگری تفویض می‌کند و مشروعیت حکومت متصدیان فقط ناشی از خواست و رأی مردم است، جای این اشکال و شبهه است که زنان با رأی دادن خود با اعطای مشروعیت به متصدیان، در امر حکومت دخالت کرده‌اند. این در حالی است که فتوای معروف فقها این است که زنان حق ندارند در امر حکومت و قضاوت دخالت کنند. لذا این امر شبهه‌ناک است؛ اما در طرح علامه، رأی دادن در حد شهادت دادن است (به عدالت و تقوا یا دانش)؛ و احدی نگفته است که زنان حق شهادت دادن را نیز ندارند. هم‌چنین ایشان از تصدی مشاغلی که یقیناً از امور حکومتی و قضایی شمرده می‌شود، منع می‌شوند ولی از دیگر مشاغل منعی در کار نیست. ایشان قادرند که به عالی‌ترین مقامات و مناصب پس از رهبری یعنی مشاورت رهبر نائل آیند؛ این مقام در عین حال که دخالت در امور حکومتی نیست، از هیچ‌یک از مناصب حکومتی و قضایی نازل‌تر نیست.<sup>۲</sup>

بخش بزرگی از آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های موجود در همه‌ی جوامع، معلول عزل و نصب‌های بی‌دلیل و نابجا است. در طرح علامه، عزل و نصب نادرست و بیجا امکان‌پذیر نیست. هر کسی تنها بدین سبب متصدی مقام و منصب خاصی است که گروهی از صاحب‌نظران و کارشناسان عادل و متقی، او را برای تصدی آن مقام، اصلح از دیگران دانسته‌اند؛ بنابراین، اگر مسئول والامقام‌تر از او بخوهد برکنارش کند، باید گروه مذکور را مجلب سازد که برای تصدی آن مقام از او شایسته‌تر هم هست؛ و ناگفته پیداست که اثبات چنین مطلبی برای چنان گروهی، کار آسانی نخواهد بود.

۱. همان، صص ۲۵۳، ۲۵۴.

۲. همان، صص ۲۵۷، ۲۵۸.

در طرح علامه، دخالت در امور اجتماعی و سیاسی، وظیفه‌ی شرعی مردم است و افراد جامعه از مشارکت در کارها استقبال می‌کنند؛ لذا برای سوق دادن مردم به مشارکت، نیازی به فعالیت‌های وسیع تبلیغاتی نیست. چون روح عدالت، تقوا و معنویت بر جامعه حکم فرماست و همه کارها از قداست برخوردار خواهد بود.<sup>۱</sup>

حضرت علامه می‌فرماید: اشکالی که ما، بر همه نظام‌های حکومتی دیگر وارد می‌دانستیم، این بود که مشروعیتشان از کجا ناشی می‌شود؛ مخصوصاً در نظام مردم‌سالاری، حاکم حق حکومت بر اقلیتی که به او رأی مثبت نداده‌اند را از کجا کسب کرده است؟ در طرح ما که حاکم از طریق انتخابات چندین درجه‌ای و با شرایط پیش گفته برگزیده می‌شود، اعضای مجلس خبرگان رهبری بر اساس شرایط سه‌گانه، اصلح افراد جامعه برای تصدی این مقام را تعیین می‌کنند و چون اصلح افراد جامعه به رهبری برگزیده شده است، از راه دلیل عقل کشف می‌کنیم که او از سوی شارع مقدس و ولی عصر عجل الله فرجه مأذون است که بر مردم حکومت کند. در واقع مشروعیت حکومت و ولایت رهبر، ناشی از اذن شارع مقدس است و حق حکومت و ولایت، از سوی خدای متعال به رهبر تفویض می‌شود، نه از طرف مردم؛ پس رهبر حق حاکمیت بر همه مردم دارد.<sup>۲</sup>

در نهایت ایشان ادعا می‌کنند که هیچ‌یک از اشکالات متعددی که بر دیگر نظام‌های سیاسی و حکومتی وارد می‌شود، بر طرح ما وارد نیست. این طرح، در عین حال که همه مصالح اجتماعی مردم را تضمین و تأمین می‌کند، ولایت و ربوبیت خدای متعال را ملحوظ می‌دارد. بنابراین، این طرح ترکیبی است از توحید، ولایت، مردم، عدالت و تخصص؛ هم بر مبنای الهی و مشروع و با رعایت خطوط قرمز الهی تدوین گشته است؛ هم سعی شده با مدنظر قرار دادن عدالت و تخصص، مصالح و مفاسد واقعی اعمال حکومتی را به بهترین وجه مورد توجه قرار داده و به‌گونه‌ای مسئولین جامعه‌ی اسلامی را تعیین کند که هیچ‌گاه جامعه توسط ایشان از ریل سیر الهی

۱. همان، صص ۲۵۹، ۲۶۰.

۲. همان، صص ۲۶۴، ۲۶۵.



خود خارج نگردد؛ هم سعی شده است مردم مسلمان به بهترین وجه بتوانند مسئولیت شرعی خود را که همان دخالت در انتخاب آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی و تعیین سرنوشت خود در چارچوب اراده‌ی تشریحی الهی است، انجام دهند؛ و هم توجه ویژه‌ای به قلب تپنده‌ی جامعه‌ی اسلامی یعنی نبی، امام و ولی فقیه (در عصر غیبت امام معصوم) نموده است.

#### ۵- اهمیت ویژگی‌های طرح علامه در نگاه مقایسه‌ای

اولاً در نظام سیاسی اسلام، حاکمیت از آن خداست و در زمان معاصر، حاکم جامعه‌ی اسلامی ولی فقیه است که مشروعیت الهی است. چنین چیزی در نظام‌های سیاسی معاصر که مشروعیت خود را مرهون اقبال و حمایت مردم می‌دانند، بی‌معناست؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، یکی از نتایج دموکراسی، جدایی حکومت و سیاست از دین و خدا بوده است.

نکته‌ی بعد توجه به اقلیت است؛ در این زمینه باید بگوئیم که ما در طرح علامه اقلیت به این معنا نداریم. اولاً طرف یا مسلمان است یا مسلمان نیست. اگر مسلمان است دیگر اقلیت معنا ندارد. مسلمان با مسلمان برابر است؛ تنها ملاک موجه تمایز گذاردن بین دو مسلمان تقواست. فلان حزب یا گروه یا... اصلاً نمی‌توانند تمایز اجتماعی ایجاد کنند. در این طرح، نظر مشورتی زنان نیز می‌تواند در بالاترین سطوح شنیده شود و مؤثر واقع شود. مسلمان چه مرد و چه زن، در جای خود در جامعه‌ی اسلامی می‌تواند تأثیرگذار باشد. در همه‌ی امور نیز حاکم عقل و شرع است؛ در اینجا بهتر است بگوئیم به یک معنا حاکم عقل است؛ چرا که شرع هم احکامش همگی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی هستند؛ لذا میزان توجه به اقلیت‌ها نیز باید در چارچوب شرع و معقول صورت گیرد. اما در جهان غرب، وقتی می‌گویند اقلیت یعنی کسانی که به جهت کمی جمعیت، آرای ایشان نتوانسته است یا نمی‌تواند در تعیین مسئولان و حاکمان تأثیرگذار و تعیین کننده باشد؛ بنابراین بر اساس طرح علامه اولاً اولین ملاک تعیین مسئول یا حاکم عدالت است؛ از چه راهی به عدول دسترسی پیدا کنیم؟ راه اول: مردم یک جامعه؛ راه دوم: عدولی که از طریق مردم به عدالت ایشان پی بردیم. ثانیاً نحوه‌ی دخالت اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی و نحوه‌ی تعامل حکومت اسلامی با ایشان باید به صورت جداگانه مورد بحث فقهی و حقوقی قرار بگیرد.



در طرح علامه برای افزایش میزان مشارکت نیاز نیست از اصولمان دست بکشیم. اگر ما در بالا بردن سطح اسلامی بودن جامعه‌ی خود تلاش کنیم - که یکی از مهم‌ترین عناصر این مهم، عمل به همین معارفی است که در این طرح وجود دارد (مسئولان عادل و متخصص) - روح اسلامی و ایمانی در مردم و جامعه افزایش پیدا می‌کند و در این صورت مردم مشارکت را وظیفه‌ی خود پنداشته و به‌خاطر همین قداست، تقوا و معنویت، آن را انجام خواهند داد.

در طرح علامه تأکید بر این مطلب است که راهی را برویم که افرادی در جامعه حاکم و مسئول و مدیر شوند که اطمینان داشته باشیم مسیری که رفتیم و آن افراد، مورد رضایت الهی هستند. چرا که اولاً سعی شده است که این طرح با حکم عقل و اصول و مبانی اسلام کاملاً سازگار باشد. ثانیاً دو بال تخصص و تعهد، عدالت و تقوا، حرف اول را در ملاک انتخاب شدن در این طرح می‌زنند. ثالثاً مبنای دینی ما این است که اگر به معارف الهی عمل کنیم، هم دنیای ما آباد می‌شود و هم آخرت ما از دستبرد شیاطین محفوظ می‌ماند (که البته آخرت مهم‌تر از دنیاست).<sup>۱</sup> لذا عمل به چنین طرحی یا حداقل حفظ چارچوب‌های رعایت شده در این طرح، قطعاً به آباد شدن مظاهر مادی و در نتیجه کارآمدی بالای حکومت می‌انجامد؛ و اگر چنین طرحی مجال اجرا پیدا کند، کارآمدی آن نسبت به سایر طرح‌ها، حداقل در یک بازه‌ی زمانی معقول و متناسب با شرایط محل اجرا، قابل مقایسه نخواهد بود. ناگفته نپیداست که کارآمدی برابر است با رضایت مردم و حمایت همه‌جانبه‌ی مردمی. البته این نکته نیز نباید مغفول بماند که در جایی که تبلیغات رسانه‌ای دستگاه محاسباتی مردم را دچار اشکال می‌کنند، باید از این جهت نیز فعالیت متقابل صورت گیرد تا عنصر رضایت مردمی بنابر عوامل غیرواقعی دچار خلدشه نشود.

در طرح علامه تلاش می‌شود که «نماینده‌ی خدا» تأمین شود؛ زیرا اگر این عنصر در حکومت تأمین شود و نمایندگانی به‌عنوان مسئول جامعه انتخاب شوند که مورد رضای الهی باشند، قطعاً اراده‌ی الهی که آبادانی زمین در راستای آبادانی آخرت است، به بهترین شکل محقق می‌شود. اما در سایر نظام‌ها اگر بخواهند دموکراسی را اجرا نمایند، باید عنصر «نماینده‌ی مردم» را

۱. جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۱۹۸.



به بهترین وجه تأمین کنند. البته ما مشکلی با این امر نیز نداریم؛ ولی در مقام مقایسه، باید گفت که این کجا و آن کجا (البته اگر عملی باشد). در فضای طرح علامه، هر اندازه که مردم بیشتر احساس کنند که نمایندگی الهی بهتر تأمین شده است، این طرح موفق‌تر بوده است.

در طرح علامه مسئولین باید در مقابل افراد عادل و نیز «متخصص در حیطه‌ی مسئولیت ایشان»، پاسخ‌گو باشند. هرچه سطح مسئولیت بالاتر باشد، طبیعتاً تخصص سؤال‌کنندگان بالاتر است. بدیهی است که کیفیت این نحوه‌ی پاسخ‌گویی، نسبت به پاسخ‌گویی به حوزه‌ی انتخابیه بسیار بالاتر است. در طرح علامه نیاز نیست تا دوره‌ی یک مسئول به پایان رسد تا امکان تعویض او فراهم شود؛ بلکه این امکان، به سرعت قابل فراهم‌شدن است. در طرح علامه به‌خاطر تعهد و تخصص مسئول و نیز تعهد و تخصص ناظران و کسانی که این مسئول باید به ایشان پاسخ‌گو باشد (جدای از مسئولیت همگانی‌ای که مسلمانان در جامعه‌ی اسلامی دارند و حقی که حکومت اسلامی در این زمینه به ایشان می‌دهد)، مشکلات مردم به سریع‌ترین وجه ممکن شناسایی و به بهترین وجه حل می‌شوند.

در طرح علامه، علاقه‌ی مردم به یک شخص به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده در انتخاب مسئولین مهم نیست؛ گرچه معنویت و جلب علاقه‌ی مردم یک رابطه‌ی مستقیم دارند که در این مجال نمی‌توان به آن پرداخت؛ لکن توجه به اصولی چون عدالت و تقوا و تخصص، برخلاف علاقه‌ی صرف، می‌تواند سلامت حاکم و مسئولین را تضمین نماید. ولی به هر حال می‌توان گفت که در جامعه‌ی اسلامی، مردم مسلمان علاقه‌مند هستند که عدول را به‌عنوان نمایندگان خود انتخاب کنند و آرای عدول، در واقع آرای غیرمستقیم مردم است.

در مدل علامه مهم نیست که چند حزب یا چند گروه در جامعه فعالیت می‌کنند؛ یا شخصی که قرار است حاکم یا مسئول شود از کدام حزب یا کدام گروه است؛ یا اصلاً عضو حزب یا گروهی هست یا خیر؛ بلکه مهم این است که تخصص و عدالت او در حد مقبول است یا خیر؟ مهم این است که کدام یک از افرادی که در معرض انتخاب شدن برای فلان مسئولیت هستند، بعد



از احراز عدالت، دارای بالاترین تخصص هستند. البته اگر وجود احزاب و گروه‌ها باعث افزایش سطح تقوا و تعهد شود، طبیعتاً مطلوب است. اصلاً نفسِ طرحِ علامه - همان‌طور که خود ایشان در متنِ طرح به این امر اشاره کرده‌اند - موجب ایجاد رقابت در داشتن عدالت و تقوا و تخصص بالاتر است.

وقتی در جامعه، به تقوا و عدالت بها دهند، چنانچه حتی برای تصدی پایین‌ترین مقامات و مناصب بهره‌مندی از این اوصاف را ضروری بدانند، در عموم مردم این انگیزه قوت می‌گیرد که به تقوا و عدالت رو کنند و افعال و اخلاق خود را به صلاح آورند. برعکس، اگر تقوا و عدالت بی‌قدر شود و نیل به مقامات اجتماعی مشروط به بهره‌مندی از آن نباشد و اشخاص فاسق، فاجر، فاسد و مفسد هم بتوانند ارتقای رتبه یابند، انگیزه اقبال به حق و حقیقت، به تدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود تا جایی که اثری از آن نمی‌ماند. البته، شکی نیست که در جامعه‌ای که ارباب تقوا و عدالت قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند، بازار ظاهرسازی و ریاکاری هم گرم و پررونق می‌شود، اما این نیرنگ‌بازی‌ها و مردم‌فریبی‌ها نیز دیری نخواهد پایید.<sup>۱</sup>

در این طرح توحید حرف اول را می‌زند. یکی از آثار رواج توحید در جامعه این است که اختلافات طبقاتی کم می‌شود؛ تنازعات و اختلافات سیاسی سیر کاهشی را می‌پیمایند؛ انس و الفت و همدلی مردم و مسئولان، بیشتر می‌شود؛ و خلاصه آنکه توحید داروی دردهاست. چه دردهای فردی و چه دردهای اجتماعی.<sup>۲</sup>

این طرح، برای اجرا نیاز به هزینه‌های هنگفت ندارد و برای افراد مسلمان و متدین به راحتی قابل فهم و هضم است. قطعاً اراده‌های مؤمنی که بخواهد این طرح را اجرا کند، بی‌نیاز از خرج‌های بی‌حساب و کتب است.

۱. مصباح یزدی، پیشین، ص ۲۵۳.

۲. رجوع کنید به کتاب‌های مربوط به توحید و اخلاق توحیدی از جمله کتاب توحید داروی دردها که توسط مؤسسه جلالان آستان قدس به چاپ رسیده است. در این کتاب بیشتر به توضیح نحوه اثر گذاری معرفت توحیدی در درمان دردهای اخلاقی فردی پرداخته‌است؛ لکن ناگفته پیداست که درمان دردهای فردی اگر شمول پیدا کند، موجب درمان دردهای اجتماعی نیز می‌شود؛ شاهد این مطلب کلام مشهوری است که می‌گوید اگر تمام پامبران در گلیمی قرار بگیرند با هم در آرامش زندگی خواهند کرد لکن افراد دیگر نمی‌توانند.



## نتیجه‌گیری

در نظام سیاسی اسلام، حاکمیت از آن خداست؛ و در عصر حاضر، ولی فقیه بالاترین مقام مشروع الهی است.

بر اساس طرح علامه، ملاک تعیین مسئول یا حاکم، تقوا و میزان تخصص است. در طرح علامه برای افزایش میزان مشارکت اولاً اگر ما در بالابردن سطح اسلامی بودن جامعه‌ی خود تلاش کنیم، مردم مشارکت را وظیفه‌ی خود پنداشته و آن را انجام خواهند داد. ثانیاً عمل به این طرح قطعاً به آباد شدن مظاهر مادی و در نتیجه کارآمدی بالای حکومت می‌انجامد؛ و کارآمدی برابر است با رضایت مردم و حمایت همه‌جانبه‌ی مردمی.

در طرح علامه مسئولین باید در مقابل افراد عادل و نیز «متخصص در حیطه‌ی مسئولیت ایشان»، پاسخ‌گو باشند. نتیجه‌ی این نحوه از پاسخ‌گویی، این است که مشکلات مردم به سریع‌ترین وجه ممکن شناسایی و به بهترین وجه حل می‌شوند.

در طرح علامه، علاقه‌ی مردم به یک شخص یا اینکه او در چه حزب یا گروهی عضو است، به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده در انتخاب مسئولین مهم نیست؛ در این طرح، توجه به اصولی چون عدالت و تقوا و تخصص، برخلاف علاقه‌ی صرف یا دیگر ملاک‌ها، می‌تواند سلامت حاکم و مسئولین را تضمین نماید.

در این طرح توحید حرف اول را می‌زند. یکی از آثار رواج توحید در جامعه این است که اختلافات طبقاتی کم می‌شود؛ تنازعات و اختلافات سیاسی سیر کاهشی را می‌پیمایند؛ انس و الفت و همدلی مردم و مسئولان، بیشتر می‌شود؛ و خلاصه آنکه توحید داروی دردهاست. چه دردهای فردی و چه دردهای اجتماعی.

فاصله‌ی این طرح با طرح‌های موجود در جهان در عصر حاضر، از عرش تا فرش است؛ و اگر مردم مزایای این طرح را بدانند، به خود اجازه نمی‌دهند که ذره‌ای از کوشش برای تحقق آن در جامعه‌ی خود فروگذار نمایند؛ مخصوصاً که فشار استکبار در عصر حاضر بر



مردم مستضعف به اعلی مرتبه‌ی خود رسیده است. شرط اقدام به موقع مردم، شاید کنار انداختن پرده‌های جهالت و انجام کار تربیتی متناسب با هر منطقه‌ای برای ایجاد جسارت جهت اقدام مناسب و به‌موقع باشد؛ و شاید این مسئولیت در حال حاضر به گردن ما و تمام مصلحان نیکاندیش جهان قرار دارد.

## فهرست منابع

۱. افشاری، فاطمه. (۱۳۹۹)، «نقد و بررسی نظریه‌های دموکراسی نوین و عدالت اجتماعی در دولت حقوقی با تکیه بر آموزه‌های هایک»، نشریه اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۱۷، بهار و تابستان، صص ۲۵-۴۴.
۲. تقوی، سید محمدناصر. (۱۳۸۲)، «الگوهای دموکراسی»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۶، تیر، صص ۲۵۵-۷۰.
۳. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۷)، مبانی علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، ج ۱، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۴. جی ایمی، داگلاس. (۱۳۹۶)، نظام‌های انتخاباتی، (مسلم آقای طوق)، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۵. حسن‌زاده، مهدی. (۱۳۹۹)، «جایگاه مردم در جامعه اسلامی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی»، فرهنگ پویا، شماره ۴۵، زمستان، صص ۱۲۸-۱۳۴.
۶. رجب‌لو، علی؛ خوشنام، مژگان، «جهانی شدن و سرنوشت مدل‌های دموکراسی»، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی، بهار و تابستان، صص ۱۲۷-۱۵۸.
۷. رحیم‌پور ازغدی، حسن. (۱۳۹۹)، «آیت‌الله مصباح و مفهوم دموکراسی در جمهوری اسلامی»، فرهنگ پویا، شماره ۴۵، زمستان، صص ۱۳۵-۱۴۱.
۸. مرادیان، بهزاد؛ آذین، احمد؛ جعفری نژاد، مسعود. (۱۳۹۹)، «نظریه مردم‌سالاری دینی اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله‌عالی)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، پاییز، صص ۲۲۳-۱۹۷.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱)، حقوق و سیاست در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. هنرجو، محسن. (۱۳۹۹)، «نقش مردم در حکومت از منظر علامه مصباح یزدی»، فرهنگ پویا، شماره ۴۵، زمستان، صص ۱۱۷-۱۲۷.

